

آغاز انقلاب فرانسه ، سقوط باستیل

222 سال پیش در روز 14 ژوئیه سال 1789 میلادی مردم پاریس به قلعه و زندان مشهور باستیل حمله کرده و آن را فتح می کنند.



جام جم آنلاین: 222 سال پیش در روز 14 ژوئیه سال 1789 میلادی مردم پاریس به قلعه و زندان مشهور باستیل حمله کرده و آن را فتح می کنند. با این که در آن زمان فقط چند نفر در باستیل زندانی بودند اما سقوط باستیل به عنوان نماد استبداد در فرانسه نقطه عطفی در تاریخ این کشور محسوب شده و پس از سقوط باستیل انقلاب فرانسه وارد مرحله ای غیرقابل بازگشت می شود. 40 روز پیش از این تاریخ ، مجلس اتاژنرو در ورسای تشکیل می شود و نمایندگان که متوجه شده بود نقاط ضعف و مشکلات حکومت بیش از آن است که فقط با یک اصلاح مالیاتی حل شود ، خواستار استقرار نهادهایی در چارچوب یک قانون اساسی شدند. سپس در روز 9 ژوئیه مجلس اتاژنرو در ورسای تشکیل شد و خود را «مجلس ملی موسسان" نامید.

این اقدام به مذاق لویی شانزدهم پادشاه فرانسه و بویژه اطرافیان درباری او خوش نیامد. در روز 12 ژوئیه سال 1789 میلادی لویی شانزدهم ناظر کل امور مالی ژاک نکر را معزول می کند و بارون دوبروتوی جانشین او می شود.

با این که ژاک نکر بانکدار اهل شهر ژنو فقط موجب افزایش کسر بودجه کشور شده بود اما میان مردم کوچه و بازار محبوبیت داشت. سپس این شایعه رواج می یابد که شاه که از نافرمانی نمایندگان مجلس به خشم آمده ، می خواهد مجلس را منحل کرده و نمایندگان را به خانه هایشان بفرستد.

در روز 13 ژوئیه شایعه جدیدی در پاریس منتشر می شود که براساس آن نیروهای ارتش سلطنتی می خواهند وارد پاریس شوند و نمایندگان را دستگیر کنند.

صبح روز 14 ژوئیه یک گروه از صنعتگران و پیشه وران برای جستجوی اسلحه به عمارت انوالید می روند.

سومبروی که وظیفه حفاظت از عمارت انوالید را داشت تسلیم شورشیان شده و در انبارهای سلاح را به روی آنها می گشاید. جمعیت به انبارها هجوم برده و 28 هزار قبضه تفنگ را غارت می کنند.

شورشیان پس از این موفقیت اولیه به سوی قلعه و زندان باستیل حرکت می کنند. براساس شایعات ، در باستیل مقدار قابل ملاحظه ای باروت انبار شده بود. مردم نسبت به این قلعه قرون وسطایی احساس نفرت می کردند زیرا همواره نماد قدرت استبدادی سلطنتی بود.

در آن زمان گارد محافظ باستیل از 82 کهنه سرباز سالمند تشکیل شده بود و در روز 7 ژوئیه یک واحد از گارد سوییس شامل 32 سرباز به آنها پیوسته بودند.

مارکی دولونای حاکم باستیل متوجه می شود که تا رسیدن قوای کمکی باید دست به دفع الوقت بزند. او به مهاجمان می گوید حاضر به مذاکره با 3 نفر از نمایندگان آنها است و در ازای آن 3 درجه دار را به عنوان گروگان نزد آنها می فرستد.

دولانوی با نمایندگان گفتگو کرده و آنها را به صرف غذا دعوت می کند. در حالی که صبر جمعیت خروشان در بیرون از قلعه باستیل به سر آمده بود.

یک گروه از شورشیان موفق می شوند از بخشی از دروازه قلعه بالا رفته و خود را به پل معلقی که حکم ورودی اصلی باستیل را داشت برسانند آنها تلاش کردند با ضربات تبر زنجیرهای نگهدارنده پل معلق را قطع کنند.

افراد گارد سوییس به سوی آنها شلیک کرده و آنها را به قتل می رسانند. در تیراندازی متقابل نیز تعدادی از نگهبانان قلعه به قتل می رسند.

دولونای تصمیم می گیرد انبارهای باروت را منفجر کند ، اما کهنه سربازان از او می خواهند با شورشیان مذاکره کند.

ستوان فلو فرمانده گارد سویییس فرمان توقف تیراندازی را داده و می گوید براساس قوانین جنگی حرمت آنها باید حفظ شده تا تسلیم شوند.

يك سرباز فرانسوی که به شورشیان پیوسته بود تقاضای او را پذیرفته و به طور مکتوب به آنها امان نامه می دهد.

پل معلق باستیل پایین آمده و گاردهای سویییس به عنوان زندانی به عمارت شهرداری برده می شوند اما ناگهان مهار جمعیت عصیان زده از دست رهبران شورش خارج شده و جمعیت خشمگین گاردهای سویییس و سایر اسرا را قطعه قطعه می کنند و سرهای آنها را بر سر نیزه زده و در خیابان ها می گردانند.

سپس مردمی که وارد باستیل شده بودند ، زندانیان را آزاد می کنند اما در آن زمان فقط 7 نفر در باستیل زندانی بودند. در هفته های پس از تصرف باستیل مردم پاریس به تخریب قلعه پرداخته و سنگ های خرد شده آن را به عنوان نشانه پیروزی تقسیم می کنند.

پس از تصرف باستیل مردم پاریس قلعه را تخریب کرده و هیچ اثری از این نماد استبداد سلطنتی باقی نمی ماند. سقوط باستیل نقطه عطفی در تاریخی فرانسه محسوب می شود و پس از سقوط باستیل انقلاب فرانسه وارد مرحله ای غیرقابل بازگشت می گردد.

روز 14 ژوئیه به عنوان روز جشن ملی فرانسه محسوب می شود.